

خدا حافظ نابغه خودویرانگر

دیه‌گومارادونا را با تکنیک نابش، با خودویرانگری‌هایش، گل معروفش و حالا در گذشت ناگهانی‌اش به یاد می‌آوریم



ظهور و سقوط یک اسطور ه

۱۹۶۰: تولد در پایتخت آرژانتین، یعنی بوئنوس آیرس
۱۹۶۸: در این سن با انجام حر کات نمایشی با توپ فوتبال در اماکن عمومی سعی می‌کرد بخشی از مخارج و هزینه‌های زندگی خانواده‌اش را تأمین کند.
۱۹۷۱-۱۹۸۱: این بازیکن در دوران جوانی با تیم بو کاجونیورز چنان در خششی از خود نشان داد که بعد از آن در بارسلونای اسپانیا توپ زد. البته او در این دوران حاشیه‌هایی هم از خود به جا گذاشت و به خاطر خلاف‌ها و بی‌اخلاقی‌های فراوان پایش مرتب به دادگاه‌هاز می‌شد.
۱۹۸۲-۱۹۸۳: با بازی در تیم بارسلونا و ثبت ۲۲ گل در ۳۶ بازی در بین هواداران این تیم محبوب به چشم آمد، گفته می‌شودمارادونا در همین سال‌ها بود که به کو کائین معناد شد.

۱۹۹۱-۱۹۸۴: جدایی‌اش از بارسا، وی‌را راهی جنوب ایتالیا و پیوستن به تیم فقیر آن کشور یعنی ناپولی کرد، طی هفت‌سال بازی‌اش در ناپولی، ۸۱ گل به نام خود ثبت کرد و نام‌وآوازه خاصی از خود به جا گذاشت.

۱۹۹۲-۱۹۹۳: با بازگشت به لیگ اسپانیا و این بار بازی در تیم سویا در طول ۲۶ بار به میدان رفتن، فقط موفق شد ۵ بار دروازه تیم حریف را باز کند.
۱۹۹۴-۱۹۹۳: حضور کوتاهی در نیولز اولد بویز داشت و صرفاً پنج بار به میدان رفت که در هیچ‌یک از بازی‌های موفق به گلزنی نشد.

۱۹۹۴: در جام جهانی به یونان گل زد اما به اتهام دوپینگ محروم شد و تیم آرژانتین بدون او با بن‌بست روحی مواجه شد و زود از جام خداحافظی کرد.

۱۹۹۵: مارادونای خسته و اقول کرده به بو کاجونیورز بازگشت تا آخرین واپسین روزهای بازی‌های خودش را باتیم محبوب و دوست‌داشتنی‌اش به پایان برساند.

۱۹۹۷: در این سال، مارادونا با چشم‌هایی اشکبار و البته با غم و اندوه فراوان هوادارانش تصمیم به خداحافظی از مستطیل سبز گرفت و به فوتبال بدرود گفت.
۲۰۰۲: در این سال مارادونا با رای‌گیری اینترنتی از سوی فیفا به عنوان بهترین بازیکن قرن بیستم انتخاب شد.

۲۰۰۵: جالب است بدانید در این سال به عنوان یک مجری انتخاب شدو بر نامه های تلویزیونی با اجرای وی به روی آنتن رفت.

۲۰۱۰-۲۰۰۸: با انتخابش در این دوره به عنوان مربی، در سال ۲۰۱۰ هم هدایت آرژانتین را در رقابت‌های جام جهانی در کشور آفریقای جنوبی بر عهده داشت و به اعتقاد بسیاری از منتقدان و کارشناسان، اتخاذ و به کارگیری تکنیک‌های غلط، عاملی در ناکامی این تیم و کسب جام بود.

نوامبر ۲۰۲۰: به خاطر بیماری قلبی در بیمارستان بستری شد. بعد از چند روز از بیمارستان مرخص شد اما در ۲۵ نوامبر به خاطر سکنه قلبی در گذشت.

پرونده

مارادونا در گذشت، دیه‌گو، ستاره نسلی از فوتبال بود که یک تنه نتایج بازی‌ها را تغییر می‌دادند، همانند داخل زمین بیرون از مستطیل سبز و یرانگر بود، یک شخصیت شگفت‌انگیز که مقابل همه دنیا و حتی خودش می‌ایستاد. مارادونا کسی بود که در جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک یک تنه تیم ملی فوتبال انگلستان را از پیش‌رو برداشت، گام‌های او برای بازگشت غرور ملی کافی بود، غروری که در زندگی اجتماعی آرژانتینی‌ها، به‌خاطر جنگ جزایر فالکلند و حمله‌ار تش مارگارت تاچر جریحه‌دار شده بود. مارادونا انتقام یک ملت را گرفت. اهل هیچ مصلحتی نبود. چنان نفوذی بر تیم خود داشت که مسئولان فدراسیون، پیراهن‌های تیم ملی را با نظر او انتخاب می‌کردند. مارادونا مرد شگفتی‌ها بود. با همان نبوغ بی‌نهایت، با همان اراده‌ای که می‌توانست یک تنه تیمی را قهرمان جهان کند می‌توانست خودش را به ورطه نابودی بکشاند. فقط از دیه‌گو برمی‌آمد که یک اسطور ه را با بین بکشد. فقط مارادونا می‌توانست آن حجم از نبوغ را زیر کو کائین و مصرف الکل دفن کند. از قهرمانی با آرژانتین در سال ۱۹۸۶ تا قهرمانی با ناپلی که بعد دیه‌گو دیگر تیم قدرتمندی نشد تا سراسیبیی ویرانگری فاصله کوتاهی را طی کردو برعبرم تمام حواشی که زندگی‌اش داشت چند بار به‌واج برگشت؛ اما هر بار خسته‌تر از قبل. در جام جهانی ۱۹۹۰ رودروی همان آلمان ۴ سال قبل ایستاد و فینال را واگذار کرد. اعتیاد او در سن ۳۲ سالگی از دنیای حرفه‌ای فوتبال دور کرد اما در جام جهانی ۱۹۹۴ آمریکا با قدرت ظاهر شد که خبر دوپینگ‌اش رسید. دوپینگ‌ی که معتقد بود دسیسه فیفا علیه طغیان و محبوبیت اوست. هیچ‌وقت حقیقت معلوم نشد اما هر چه بود باور این که اسطور ه فوتبال بتواند خودش را بعد از اعتیاد و حاشیه‌های خانوادگی به ورطه تازه‌ای بکشاند، آسان بود. با همه این حواشی او بر خلاف ستاره‌های لوکس اروپایی محبوب ماند. همه دنیا پله ستاره برزبلی را یک قدرت طلب می‌دانستند که تا وزارت ورزش کشورش پیش‌رفته اما دیگر مردمی نبود، اما دیه‌گو ستاره محبوبی بود که از کوچه‌های فقر تا بلندای شهرت و محبوبیت رسیده بود. بی‌شک او را می‌توان محبوب‌ترین بازیکن تمام ادوار دانست. شاید اگر فوتبال دیروز مثل امروز با چند دوربین و زوم فراوان ضبط می‌شد می‌توانستیم پرتره‌های شگفت‌انگیزی از نبوغ او را ببینیم. با این همه شمایل مارادونا شباهتی به یک ستاره میلیار در نداشت. انگار همیشه خسته بود. قامت کوتاه، شکم بزرگ، حتی در روزهای اوج هم باورش سخت بود کسی با آن فرم بدنی بدو. اهل مانور یا کارانه مقابل دوربین‌ها نبود. بر خلاف ستاره‌هایی که در خفا سیگار می‌کشند یا رفتار ناپهنجار دارند دیه‌گو سیگارهای برگ کوبایی‌اش را حتی در ورزشگاه‌ها و مقابل چشمان متعجب همه روشن می‌کرد. مارادونا با همه این رفتارهای غلط کسی بود که حتی وقتی تیم ملی آرژانتین با هدایت او و حضور مسی در ترکیب، از جام جهانی حذف شد اما از محبوبیت‌اش کم نشد. مسی شاید رکوردهای بزرگی را جابه‌جا کرده باشد؛ شاید رفتارهای حرفه‌ای تر داخل زمین و خارج از آن داشته باشد و شاید به‌هتجارها و خطرقرمزهای اجتماعی پابیند باشد اما دیه‌گو محبوب‌تر ماند و خواهد بود. محبوبیتی که قطعاً توجیه رفتارهای اشتباه او نیست. داستانی در باره مارادونا نقل می‌شود که صحت آن چندان مشخص نیست، می‌گویند زمانی که به‌خاطر افسردگی در آسایشگاه روانی بستری بود. یکی از بیماران می‌گوید من چه‌گوارا هستم، یکی دیگر می‌گوید من گاندی هستم، دیه‌گو هم می‌گوید من مارادونا هستم! یکی از بیماران می‌خندد و می‌گوید تو دیگر خیلی دیوانه هستی چون هیچ‌کس نمی‌تواند مارادونا باشد! این داستان نشان می‌دهد نبوغی که کنترل نشود می‌تواند چه‌بر سر شخصیت حرفه‌ای و اجتماعی یک نفر بیاورد. در این پرونده ظهور و سقوط یک افسانه را بررسی کرده‌ایم.

فریبی که مارادونا از کوکائین و مشروبات الکلی خورد

مارادونا روزی بر اثر مصرف زیاد الکل به خانواده‌اش می‌گوید توسط فضایی‌ها ربوده شده‌است

مصطفی نجمی | پژوهشگر حوزه اعتیاد



دیده می‌شود. در باره ماجرای که مارادونا از دز دیده شدنش توسط آدم‌های فضایی تعریف کرده، باید به این نکته توجه داشت که دلیل رفتارهای عجیب فردی که الکل مصرف می‌کند این است که الکل سیستم مغزی را سرکوب می‌کند در نتیجه فرد کنترل و عقلانیت‌اش را از دست می‌دهد و ممکن است وارد یک فاز عمیق افسردگی شودو دیگر هیچ چیزی در دنیا برایش ارزش نداشته باشد. بعضی‌ها تصور می‌کنند مشروبات الکلی، اعتیادآور نیست، این برداشت، اشتباه محض است و مشروبات هم اعتیاد و هم عوارض شدید به دنبال دارد.

🔴 کو کائین، عامل توهم زدن‌های مارادونا

مشکل دیگر مارادونا مصرف کو کائین بود. عوارض مصرف کو کائین هم شامل عوارض جسمانی و هم روانی می‌شود. با مصرف این ماده تمرکز و سرخوشی فرد افزایش می‌یابد و این از جمله عوارض بسیار کوتاه مدت و خوشایند کو کائین است که فرد مصرف‌کننده را به استفاده بیشتر با دوز بالاتر ترغیب می‌کند. شاید همین آثار کوتاه مدت کافی بود تا بازیکنی مانند مارادونا به جای انکار پرتوانایی و استعدادهای ذاتی‌اش در فوتبال، به کو کائین به عنوان یک راه‌ماینر روی آورد. اما از آن جایی که مصرف کو کائین حتی برای یک دفعه هم می‌تواند باعث اعتیاد و وابستگی فرد به این ماده شود؛ در به‌منظور دستیابی به حالت سرخوشی قبلی مجبور به افزایش دوز مصرفی و در صورت ترک این ماده دچار عوارض شدیدی همچون افسردگی و اضطراب و بی‌قراری می‌شود. از دیگر عوارض کو کائین می‌توان به بالا بردن فشارخون و ضربان قلب، بی‌نظمی ضربان قلب، تنگ‌شدن عروق و احتمال سکنه قلبی اشاره کرد. توهم شدید حسی، هذیان، اضطراب و بی‌قراری، احساس خستگی، تشنج و حتی مرگ از جمله عوارض این ماده در دوزهای بالا و مستمر است.

۳ درس از اشتباهات مارادونا

عکسی از جوانی‌های مارادونا وجود دارد که روی لباسش نوشته «نه به مواد مخدر» اما چرا کاری را که می‌دانیم غلط است انجام می‌دهیم؟

نرگس عزیزی | مشاور

داستان این عکس به مسابقه‌ای در سال ۱۹۸۸ برمی‌گردد؛ مسابقه‌ای که از اساس با هدف مبارزه با مواد مخدر برگزار شد و بر همین مبنا هر روی لباس مارادونا به انگلیسی و روی لباس پلاتینی به فرانسوی نوشته: «نه به مواد مخدر». اما مارادونا چند سال بعد تشتر سوایی‌اش در زمینه مصرف همین مواد مخدری که این جا دارد تلاش می‌کند بدودنش را اثبات کند، بر زمین افتاد! واضح است درک خوب و بد بودن ایجادمی‌کنند، بسیار شایع است.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه • ۶ آذر ۱۳۹۹

۱۰ ربیع الثانی ۱۴۴۲ • ۲۶ نوامبر ۲۰۲۰

شماره ۳۰۵۳۳

۱۷۵۳

مارادونا برخلاف پله

کنار مردم بود

امیرحاج رضایی کارشناس فوتبال از شخصیت فوتبالی و رفتارهای غیرفوتبالی مارادونا می‌گوید

مصطفی میرجانبان | روزنامه نگار

امیرحاج رضایی یک شخصیت آرام و تحصیل کرده در بین فوتبالی‌هاست. مردی دوست‌داشتنی که فوتبال را در زمینه اجتماعی و متفاوتی تفسیر می‌کند. بعد از انتشار خبر درگذشت اسطور ه فوتبال با اوتماس گرفتیم تا از شخصیت دیه‌گو برای ما بگوید؛ «از شنیدن خبر درگذشت مارادونا خیلی متأسف شدم؛ او برای من، یک قهرمان بود. به‌شدت دوستش داشتم. این علاقه‌ام فقط به خاطر توانمندی‌اش در زمین مسابقه نبود، بلکه به‌خاطر موضع‌گیری‌هایی بود که او درقبال فیفا داشت. شما هیچ‌گاه مارادونا را در جایگاه مخصوص سران فیفا ندیدید. او هرگز با فیفا نشین‌ها از سر دوستی درنیامد. همین موضوع به‌آینده و سلامتی‌اش صدمه زد و مرگ زودرسی را هم برایش به ارمغان آورد. وقتی که در جریان جام جهانی ۱۹۹۴ آمریکا وصله‌ای به او چسباندند، او از تلویزیون در حالی که می‌گریست گفت که من پاکم و این فیفاست که می‌خواهد من را از گردونه خارج کند. البته بعدش خودش به خودویرانگری روی آورد و مسائلی که همه ما از آن خبر داریم و سلامتی‌اش به‌شدت به‌خطر افتاد.»
حاج‌رضایی در باره جایگاه مارادونا در کشور آرژانتین می‌گوید: «کاری که سیاستمدارهای آرژانتینی نتوانستند انجام دهند، مارادونا انجام داد. می‌دانیم که در جنگ مارنیناس (همان جزایر فالکلند)، دولت انگلیس جزایر مارنیناس را تصاحب کرد؛ ارتش آرژانتین را شکست داد و یک تحقیر عمومی به آرژانتینی‌ها تزییق کرد این مارادونا در سال ۱۹۸۶ بدون هیچ ارتشی، آن گل را به ثمررساند و به نوعی وارد قلعه انگلیسی‌ها شد و آن تحقیر را جبران کرد. او یک شخصیت متناقض داشت و در کنار فوتبال بسیار پر جاذبه‌ای که داشت از نظر شخصیت اجتماعی، جایگاه قابل قبولی نداشت».
حاج‌رضایی معتقد است مارادونا را می‌شود از ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و ورزشی تحلیل کرد و می‌افزاید: «من سن و سالی دارم که او را دیدم و فقط در باره‌اش کتاب‌نخواندم یا مستند ندیدم. شناخت خوبی از او دارم. در دنیا تنها یک بار این اتفاق افتاده است که یک بازیکن، یک نفره یک تیم را قهرمان جهان کند در سال ۱۹۸۶. البورکان در جام جهانی ۲۰۰۲ به این مقام نزدیک بود اما دگلی که در فینال از آلمان خورد، نگذاشت یک تنه آلمان را قهرمان جهان کند. وقتی مارادونا در ایتالیا به ناپل رفت و قهرمان سری آ ایتالیا شد، به گورستان رفت و آن جاسخرانی کرد که شما که از دنیا رفتید من به شما خبر می‌دهم که بالاخره تیم شهرتان قهرمان شد. او چنین رفتارهایی را داشت که مخصوص خودش بود.»
حاج‌رضایی یکی از دلایل سقوط مارادونا را فیفامی‌داند: «اگر فیفا فینال ۱۹۹۰ را ببینید و آن پناالتی مشکوک که باعث شد آرژانتین از قهرمانی دور شود، زمانی که مارادونا برای جایزه تیم‌نایب قهرمان رفت باز او هوالاژ رئیس فیفا خجیلی جذاب است که دست در زندگی مارادونا چقدر نقش جالبی داشته است. از آن گلی که با دست زد و بعدش که با بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی فوتبال دست‌نداد و طبیعتا هوالاژ کمک کرده به سقوط مارادونا. اگر به بازخوانی زندگی مارادونا بپردازید، می‌بینید که او از فقر رسیده به ثروت، بنابراین یک نابغه بود در جهان فوتبال با این تفاوت که بر خلاف پله در کنار مردمش بود.»

نقاط ضعف و قوت خود را به درستی نمی‌شناسیم

گاهی اوقات این شناختن نقاط ضعف است که کار دست افراد می‌دهد. به عنوان مثال فردی متوجه نیاز شدید خود برای پیدا کردن دوست نیست و در این شرایط برای پاسخ به این نیاز به هر رابطه‌ای دست می‌زند یا هر رفتاری را برای این که دیگران او را بپذیرند انجام می‌دهد.

۳ خودمان را فردی بد و مستحق بدی می‌دانیم

بررسی‌ها نشان می‌دهد احساس بد بودن و داشتن شرم شدید راجع به وجود خود، می‌تواند افراد را به سمت انجام رفتارهای غلط و اشتباه سوق دهد. افرادی که تصور می‌کنند «آدم بدی» هستند، احتمال بیشتری وجود دارد که برای اثبات این موضوع به خود و اطرافیان دست به کارهای بدو غلط هم بزنند. البته توجه داشته باشید که چنین تصویری در باره خود و تلاش برای اثبات آن همیشه برای فرد واضح نیست و گاهی او تنها در سطح ناخودآگاه چنین برداشتی از خود دارد.

